

اثربخشی آموزش رابطه مادر- کودک بر کاهش کودک آزاری جسمی و عاطفی

احد آهنگرانزایی^۱

سکینه سلامت قراملکی^۲

اصغر فولادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۷

چکیده

رابطه مادر - کودک جزء مهم‌ترین عوامل مطرح در سوء رفتار با کودک تلقی می‌شود. هدف این پژوهش ارزیابی اثربخشی آموزش رابطه مادر- کودک بر کاهش کودک آزاری جسمی و عاطفی است. این مطالعه از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه است. نمونه‌ای به تعداد ۳۰ نفر از بین مادران دارای کودک ۷-۱۰ ساله که در پایه اول تا چهارم ابتدایی مدارس شهر تبریز مشغول به تحصیل بودند به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و سپس به روش تصادفی در دو گروه آزمایش ($n=15$) و کنترل ($n=15$) قرار گرفتند. بسته آموزشی بهبود روابط والد و کودک به گروه آزمایش در ده جلسه آموزش داده شد. پرسشنامه دویعدی کودک آزاری قبل و بعد از تشکیل جلسات بر روی هر دو گروه اجرا گردید. داده‌ها با روش تحلیل کوواریانس یک‌طرفه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج حاصل نشان داد که بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون کودک آزاری جسمی و عاطفی در سطح ($P<0/05$) تفاوت معناداری وجود داشت. با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت که برنامه آموزش رابطه مادر- کودک می‌تواند باعث کاهش کودک آزاری جسمی و عاطفی گردد.

واژگان کلیدی: بهبود روابط مادر- کودک، کودک آزاری جسمی، کودک آزاری عاطفی

۱. استادیار، گروه مشاوره، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (نویسنده مسئول) ahangar.iaushab.ac.ir

۲. کارشناس ارشد، گروه روانشناسی تربیتی

۳. مربی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد آذرشهر، تبریز، ایران

مقدمه

در اغلب کشورها کودک‌آزاری توسط والدین یا دیگران مشکل اجتماعی و بهداشتی است که می‌تواند صدمات جدی به کودکان وارد کرده حتی موجب مرگ ایشان گردد (گیلبرت^۱، ۲۰۱۱). بسیاری از والدین در زمان و فضای مشترک با کودکانشان به سر می‌برند اما با احساسات و نیازهای کودک خود بیگانه‌اند. پدر و مادر بودن بسیار فراتر از رویدادی زیستی است. فرزندان به زمان کافی برای مشارکت هیجانی با والدینشان نیاز دارند و پدر و مادر باید بدانند که برای برقراری ارتباط لازم چگونه باید به شیوه‌های کارآمد به تعامل با کودکان خود پردازند (لندرت^۲، ۲۰۱۱).

تا حدود دو دهه قبل گمان می‌رفت که خانواده به سبب وجود روابط صمیمی و محبت‌آمیز بهترین مکان برای زندگی و رشد و شکوفایی عاطفی و جسمانی کودکان و نوجوانان است. اما با کمال تعجب، مشخص شده است که نه تنها خانواده‌های مساله‌دار، بلکه خانواده‌هایی که به‌ظاهر معمولی یا مطلوب هستند هم ممکن است نسبت به کودکان خود بدرفتار باشند (گل^۳ و استراوس^۴، ۱۹۸۸). اگر قانون خانواده برای کودک محیطی پراسترس و خطرآفرین باشد و جو ایجادشده در خانواده و روابط بین والدین و کودک، باعث آزار وایت او گردد، خانواده کارایی خود را در تربیت نسل خلاق، پویا، متعهد و مسؤولیت‌پذیر از دست خواهد داد و باعث بروز و ظهور انواع آسیب‌های اجتماعی خواهد شد و در نهایت دامنه بی‌انتهایی از محیط اجتماعی را در بر خواهد گرفت (آقایی‌گلوبی، طباطبایی و موسوی، ۱۳۸۰). یکی از این آسیب‌ها که توجه چندانی به آن نشده است، پدیده کودک‌آزاری^۵ است. کشور ایران نیز از جمله کشورهای است که به علت پیگیری‌های ضعیف قانون کودک‌آزاری به‌صورت کودکان کار و تنبیه بدنی وجود دارد؛ رئیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با بیان اینکه حدود ۷۰ درصد از خشونت‌های خانگی مربوط به حوزه کودک‌آزاری است، گفت در نیمه دوم سال گذشته بیش از ۱۶ هزار مورد کودک‌آزاری به ثبت رسیده است.

رضا جعفری سدهی در گفت‌وگو با خبرگزاری پانا (۱۳۹۷) درباره آمار کودک‌آزاری در سال جاری اظهار کرد: جمع‌بندی آمار سه‌ماهه نخست امسال در زمینه کودک‌آزاری در حال انجام است و هنوز تکمیل نشده است اما براساس آمار و داده‌های موجود، در گروه خشونت‌های خانگی، کودک‌آزاری در رتبه نخست است و در نیمه دوم سال گذشته بیش از ۱۶ هزار مورد کودک‌آزاری به ثبت رسیده است. بعد از کودک‌آزاری نیز همسرآزاری، سالمندآزاری و معلول‌آزاری دارای بیشترین آمار خشونت خانگی هستند. بروز این پدیده در خانواده و توسط والدین تک عاملی نیست. وجود مشکلات فردی والدین نظیر کنترل

1. Gilbert
2. Lendert
3. Gelles
4. Straus
5. Child Abuse

نکردن خشم، آشنا نبودن با توانایی‌های کودکان، عقاید و نگرش آنها در مورد کودکان و تربیت آنان می‌توانند سبب اعمال خشونت بر کودکان شوند (بهاری، ۱۳۸۸). انواع کودک‌آزاری در سال‌های حساس و مهم کودکی به رشد و سلامت آنان آسیب‌های جدی می‌رساند کودکان آزاردیده در همه جنبه‌های اساسی رشد مانند رشد جسمانی، ذهنی، روانی و اجتماعی با مشکلات و نارسایی‌های فراوانی روبرو خواهند شد (خوشابی، ۱۳۸۶). گزارش سالانه یونیسف، حاکی از آن است که هر روز در حدود ۳ کودک بر اثر خشونت به همراه بدرفتاری با آنها جان می‌سپارند (مارواستی، ۲۰۰۰). سالانه در جهان حدود ۳ میلیون کودک مورد سوء رفتار قرار گرفته و طبق برآورد سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۲، در جهان ۳۱۰۰۰ مورد قتل کودک کمتر از ۱۵ سال اتفاق افتاده است (کهان و باتچارت^۱، ۲۰۰۶). از حیث نظری، برای شناخت عوامل خطر و تبیین آسیب‌پذیری کودکان در مقابل سوءرفتار، نظریات مختلفی از جمله نظریه نظام‌های خانواده، نظریه حمایت اجتماعی، نظریه سرایت بین نسلی، نظریه نظام‌های بوم‌شناختی و نظریه سرمایه‌گذاری والدینی به کار گرفته شده‌اند. با توجه به پیامدهای منفی کودک‌آزاری بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی این کودکان مداخلات مناسب و به‌موقع در کاهش پیامدهای آن نقش به‌سزایی دارند. اکثر مطالعات برای کاهش کودک‌آزاری بر مداخلات چندوجهی تاکید دارند. این مداخلات شامل افزایش آگاهی والدین در زمینه مهارت فرزندپروری، کنترل خشم، تغییر باورها و کاهش استرس است (رانیون و دبلینگر، ۲۰۰۹).

آگاهی والدین از روش‌های صحیح برخورد با کودکان موجب کاهش برخوردهای نامناسب بین آنها شده، اعتماد کودکان به والدین را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود والدین و کودکان هر دو در خواسته‌های خود از یکدیگر منطقی‌تر رفتار کنند (نیتزل^۲ و استرایت^۳، ۲۰۰۴). وایس^۴ و پور^۵ (۲۰۰۷) و شنک^۶ (۲۰۰۸) معتقدند که برای پیشگیری از کودک‌آزاری، تکنیک‌هایی برای کنترل فشارهای مربوط به والدین در راه تربیت و پرورش کودک و زندگی روزمره آنها وجود دارند که باید آموزش داده شوند. والدین آموزش‌دیده، در مواجهه با مسائل و مشکلات، نقش فعال‌تری به کودک می‌دهند؛ این والدین از پیش‌داوری و امر و نهی به کودکان پرهیز می‌کنند و موجب انتقال این خصوصیات به کودکان نیز می‌شوند. کودکان این‌گونه والدین از دلبستگی ایمن برخوردارند (نیتزل و استرایت، ۲۰۰۴).

پژوهش‌های زیادی از جمله شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۸۷)، صرامی و همکاران (۱۳۸۷)، مایکل و همکاران (۲۰۰۸)، گاتلیب^۷ (۲۰۰۴)، رانیون، دبلینگر، ریان، کوالر^۸ (۲۰۰۹)، بارلو^۹ (۲۰۰۰)، تیلور^{۱۰} و

1. Kehan and Butchart

2. Neitzel

3. Stright

4. Wise

5. Poore

6. Shenk

7. Gottlieb

بیگان^۴ (۱۹۹۸) و پاترسون^۵ (۱۹۸۲) نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های فرزندپروری موجب افزایش تعامل مثبت والدین با کودکان؛ کاهش سوء رفتار با کودکان (کودک‌آزاری)، تغییرات مثبت در درک و رفتار والدین از والد بودنشان که خود منجر به بهبود رفتار کودکان می‌شود.

نتایج مطالعات انجام‌شده در ایران حاکی از آن است که برخلاف کشورهای غربی، در اکثریت موارد بروز موارد کودک‌آزاری صرفاً ناشی از عدم آگاهی والدین از نحوه صحیح تعامل با کودکان است و به میزان بسیار کمتری مسائلی چون الکلیسم، پریشانی‌های روابط والدین و غیره در آن دخیل هستند؛ هرچند که این اتیولوژی‌ها نیز در مواردی مطرح می‌باشند. به همین دلیل وزارت بهداشت در سال ۱۳۸۲ با همکاری صندوق کودکان سازمان ملل متحد بر آن شد تا طی تعدادی کارگاه‌های مشارکتی با شرکت والدین، کودکان و نوجوانان و متصدیان مراقبت از کودک، نیازهای اساسی در رابطه با روش‌های بهبود روابط خانوادگی را برآورد کند. بنابراین این پژوهش با هدف اثربخشی آموزش روابط مادر-کودک بر کاهش کودک‌آزاری جسمی و عاطفی صورت پذیرفت.

روش‌شناسی

روش پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه است. جامعه موردپژوهش همه مادران کودکان ۷-۱۰ ساله مشغول به تحصیل در مدارس پایه اول تا چهارم ابتدایی که ساکن شهرستان تبریز بوده و دارای رفتارهای مبین کودک‌آزاری جسمی و عاطفی بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند یکی از نواحی انتخاب و سپس به صورت تصادفی چند مدرسه ابتدایی (دانش‌آموزان پایه اول تا چهارم) انتخاب شدند درنهایت با استفاده از پرسشنامه دوبعدی کودک‌آزاری، ۳۰ نفر از بین مادران دارای کودک ۷-۱۰ ساله، به روش گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش ($n=15$) و کنترل ($n=15$) قرار گرفتند. معیارهای ورود به پژوهش شامل رضایت کامل از شرکت در جلسات آموزشی و داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن و معیارهای خروج عدم رضایت به ادامه شرکت و غیبت بیش از یک جلسه در نظر گرفته شد.

ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه دوبعدی کودک‌آزاری: این مربوط به آزار از نوع عاطفی و جسمی است. این پرسشنامه ۲۲ سؤالی به‌وسیله ممقانی و جوانمرد (۱۳۸۶) طراحی و تنظیم شده است، برای مشخص کردن پایایی پرسشنامه، ممقانی و جوانمرد (۱۳۸۶) از دو روش بازآزمایی و محاسبه همسانی درونی استفاده کردند و

1. Runyon, Deblinger, Ryan & Kolar

2. Barlow

3. Taylor

4. Biglan

5. Patterson

نتایج نشان داد که پایایی بازآزمایی در مورد پدران ۰/۷۸ و برای مادران پایایی ۰/۸۰ بود. پایایی پرسشنامه از طریق همسانی درونی نمره‌ها برای پاسخ‌های مادران ۰/۸۲ و برای پاسخ‌های پدران ۰/۷۸ بود. روایی پرسشنامه نیز از طریق روایی سازه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که این پرسشنامه دارای روایی سازه مناسبی است (ممقانی و جوانمرد، ۱۳۹۰).

بسته آموزشی بهبود روابط والد-کودک به تبعیت از الگوی بارکلی در ده جلسه ۸۰ دقیقه‌ای با فواصل حداقل دو روز در میان برای گروه آزمایش اجرا گردید.

محتوای جلسات بهبود روابط مادر- کودک

جلسه	هدف	محتوا
اول	آشنایی با شرکت‌کنندگان	صحبت در مورد کودک آزاری و انواع آن (جسمی و عاطفی) و مضرات آن و روش‌های درست برخورد با مشکلات کودکان
دوم	فرایند آموزش	به والدین آموزش داده شد که چطور از محروم کردن و تقویت منفی برای گسترده‌ای از تخلفات و رفتارهای نامناسب در محیط منزل از جمله ناسزاگویی، بی‌نظمی، پرخاشگری، و ویرانگری استفاده نمایند
سوم	توجه به رفتارهای کودک	والدین آموزش دیدند تا چگونه مشکلات رفتاری کودکان را در محیط‌های عمومی پیش‌بینی و مدیریت کند و برنامه‌هایی را برای استفاده از تقویت‌کننده‌های اجتماعی ژتون‌ها، هزینه رفتاری، جریمه کردن و محروم کردن ای تقویت در موقعیت‌های عمومی تدوین کنند و چگونه با فرزندشان قراردادهای رفتاری ببندند.
چهارم	نظام پاداش، امتیاز، اقتصاد ژتونی و قرارداد رفتاری	در این جلسه به‌مرور اصول اساسی در هر یک از تکنیک‌های آموزش داده شده و پرسش و پاسخ با والدین درباره مسائل مربوط به فرزندانشان پرداخته شد.
پنجم	هزینه‌های رفتاری و جریمه	به والدین آموزش داده شد که چطور از محروم کردن و تقویت منفی برای گسترده‌ای از تخلفات و رفتارهای نامناسب در محیط منزل از جمله ناسزاگویی، بی‌نظمی، پرخاشگری، و ویرانگری استفاده نمایند.
ششم	محروم‌سازی و تقویت منفی	به والدین آموزش داده شد که چطور از محروم کردن و تقویت منفی برای گسترده‌ای از تخلفات و رفتارهای نامناسب در محیط منزل از جمله ناسزاگویی، بی‌نظمی، پرخاشگری، و ویرانگری استفاده نمایند
هفتم	محیط‌های عمومی	والدین آموزش دیدند تا چگونه مشکلات رفتاری کودکان را در محیط‌های عمومی پیش‌بینی و مدیریت کند و برنامه‌هایی را برای استفاده از تقویت‌کننده‌های اجتماعی ژتون‌ها، هزینه رفتاری، جریمه کردن و محروم کردن از تقویت در موقعیت‌های عمومی تدوین کند و چگونه با فرزندشان قراردادهای رفتاری ببندند. انجام رفتارهای مناسب در مدرسه و چگونگی استفاده از تکنیک‌های مدیریت رفتاری آموزش داده شده در جنات قبلی، برای انجام تکالیف و کارهای مربوط به مدرسه و نکات لازم برای بهبود کیفیت عملکرد تحصیلی آموزش داده شد.

هشتم	مهارت نادیده گرفتن	به والدین آموزش داده شد که چطور از مهارت نادیده گرفتن برای گستره‌ای از تخلقات و رفتارهای نامناسب در محیط منزل استفاده نمایند
نهم	روش صحیح دستور دادن به کودک	به والدین آموزش داده شد که چطور از روش صحیح دستور دادن به کودک برای گستره‌ای از تخلقات و رفتارهای نامناسب در محیط منزل استفاده نمایند
دهم	خلاصه جلسات قبل	اهداف و محتوای جلسات قبل مرور شد. و پس از آن اجرا شد. جمع‌بندی و پرسش و پاسخ در این جلسه به‌مرور اصول اساسی در هر یک از تکنیک‌های آموزش داده شده و پرسش و پاسخ با والدین درباره مسائل مربوط به فرزندانشان پرداخت

یافته‌ها

داده‌های به‌دست‌آمده پس از اطمینان از رعایت مفروضه‌های آماری برای استفاده از روش کوواریانس مورد تحلیل قرار گرفت. جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون، پس‌آزمون متغیر کودک آزاری جسمی و عاطفی در گروه آزمایش و کنترل را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای کودک آزاری جسمی و عاطفی در گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیرها	زمان آزمون	گروه	میانگین	انحراف معیار
کودک آزاری جسمی	پیش‌آزمون	آزمایش	۵	۲/۶۹
		کنترل	۵/۵۰	۳/۲۰
	پس‌آزمون	آزمایش	۱/۷۳	۱/۱۶
		کنترل	۴/۲۱	۱/۹۲
کودک آزاری عاطفی	پیش‌آزمون	آزمایش	۵	۱/۴۶
		کنترل	۵/۲۸	۱/۷۷
	پس‌آزمون	آزمایش	۲/۱۳	۱/۵۰
		کنترل	۵/۰۷	۲/۳۳

جدول شماره ۲ خلاصه تحلیل کوواریانس یک‌طرفه اثرات آموزش رابطه مادر کودک بر کاهش کودک آزاری جسمی در گروه‌های آزمایش و کنترل نشان می‌دهد.

جدول ۲. خلاصه تحلیل کوواریانس یک طرفه اثرات آموزش رابطه مادر کودک بر کاهش کودک آزاری جسمی در گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
گروه‌ها	۳۸/۲۰	۱	۳۸/۲۰	۲۵/۸۷	۰/۰۰۰۱	۰/۴۹
پس‌آزمون خطا	۳۸/۳۸	۲۶	۱/۴۷			
کل	۳۶۱	۲۹				

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود در خلاصه تحلیل کوواریانس یک طرفه اثر آموزش بهبود روابط مادر- کودک بر کاهش کودک آزاری جسمی با حذف اثر پیش‌آزمون کودک آزاری جسمی به‌عنوان متغیر همپراش، تفاوت نمرات متغیر کودک آزاری جسمی در گروه آزمایش با گروه کنترل از لحاظ آماری معنادار است ($F=25/87$; $df=1$; $p=0/0001$). این میزان از لحاظ آماری در سطح $P<0/05$ معنادار بود و نتیجه اینکه آموزش بهبود روابط مادر- کودک در کاهش کودک آزاری جسمی تأثیر معناداری داشت.

جدول شماره ۳ خلاصه تحلیل کوواریانس یک طرفه اثرات آموزش بهبود روابط مادر کودک بر کاهش کودک آزاری عاطفی در گروه‌های آزمایش و کنترل را نشان می‌دهد

جدول ۳. خلاصه تحلیل کوواریانس یک طرفه اثرات آموزش رابطه مادر کودک بر کاهش کودک آزاری عاطفی در گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
گروه‌ها	۵۴/۲۹	۱	۵۴/۲۹	۱۹/۶۴	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳
پس‌آزمون خطا	۷۱/۸۶	۲۶	۲/۷۶			
کل	۵۳۱	۲۹				

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود در خلاصه تحلیل کوواریانس یک طرفه اثر آموزش رابطه مادر- کودک بر کاهش کودک آزاری عاطفی با حذف اثر پیش‌آزمون کودک آزاری جسمی به‌عنوان متغیر همپراش، تفاوت نمرات متغیر کودک آزاری عاطفی در دو گروه در پس‌آزمون برابر ($df=1$; $F=19/64$; $p=0/0001$) است، که این میزان از لحاظ آماری در سطح $P<0/05$ معنادار بود و نتیجه اینکه آموزش رابطه مادر- کودک در کاهش کودک آزاری عاطفی تأثیر معناداری داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

کیفیت روابط مادر و فرزند ابعاد مختلف شخصیت کودک را تحت‌الشعاع قرار داده و متحول می‌سازد و بنیانی برای بسیاری از ویژگی‌ها و سازه‌های شخصیتی و رفتاری می‌گردد مثلاً مادرانی سرد و غیر صمیمی واکنش‌های محبت‌آمیز و گرمی نسبت به کودک ندارند و از همان روزهای نخست زندگی وی طعم تلخ طردشدگی و بی‌ارزشی را در کودک می‌پروراند همین امر زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌های روانی، رفتاری و اجتماعی وی می‌شود (یزدی، ۱۳۸۸).

در مهر و موم‌های اخیر، آموزش والدین گسترش بسیاری پیدا کرده و در این زمینه برنامه‌های متفاوتی به‌ویژه با رویکرد شناختی- رفتاری طراحی و اجرا شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مداخله‌های شناختی- رفتاری والدین می‌توانند در سطوح مختلف اجرا شوند و این شیوه به‌طور مستقیم بر نحوه تعامل والدین با فرزندان تأثیر بگذارد. هدف اغلب این برنامه‌ها، ارتقاء نقش نظارتی والدین به‌وسیله کمک به آنها در زمینه یادگیری چگونگی مواجهه با فرزندان و در واقع کاهش خشونت و بدرفتاری با فرزندان است نتایج تحلیل کواریانس یک‌طرفه در ارزیابی اثربخشی آموزش رابطه مادر- کودک بر کاهش کودک آزاری جسمی، نشان‌دهنده اثربخش بودن این آموزش‌ها است.

این تحقیق با مطالعات متعددی از جمله تیلور و بیگان، ۱۹۹۸؛ پاترسون، ۱۹۸۲؛ بارلو، ۲۰۰۰ و گاتلیب، ۲۰۰۴؛ نقل از وزارت بهداشت، ۱۳۸۶ مبنی بر تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری در افزایش تعامل مثبت والدین با کودکان و کاهش سوء رفتار با کودکان (کودک‌آزاری) همخوان است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت: کودک‌آزاری و بی‌توجهی، واقعیت‌های تأسف‌باری هستند که در میان میلیون‌ها خانواده در سراسر جهان وجود دارند. هزاران کودک، روزانه رهاشده، مورد بی‌توجهی، ضرب و شتم، شکنجه، سوءاستفاده جنسی قرار گرفته، گرسنگی می‌کشند و دچار رعب و وحشت می‌شوند. امروزه متخصصان علوم اجتماعی پذیرفته‌اند که بدرفتاری مداوم با کودکان، نتیجه ضعف در تربیت بزرگسالانی است که در نقش خود به‌عنوان والدین و مراقبین سعی در تلقین کردن تنبیه داشته و کودکان را در محیطی خشونت‌آمیز تربیت می‌کنند که خود در دوران کودکی تجربه کرده بودند (رادبیل، ۱۹۹۴؛ نقل از کشاورز، ۱۳۸۹). کودک آزاری جسمی از آشکارترین نوع کودک آزاری است که مشخصه آن رساندن آسیب فیزیکی به کودک است که پیامدهایی چون پایین بودن توانایی‌های کلامی و هوشی و مشکلات متعدد روان‌پزشکی را در پی دارند (اسپاتارو^۱، مولن^۲ و بورگس^۳، ۲۰۰۴). لازمه کاهش کودک آزاری، آموختن شیوه‌های جدید برخورد با کودکان، شیوه‌های جدید تغییر رفتار و آشنایی با خصوصیات تحولی در کودکان است که در این آموزش‌ها به آنها اشاره شده است. آشنایی والدین با اثرات نامطلوب تنبیه بدنی و تغییر نگرش در این خصوص باعث کاهش در کودک آزاری جسمی شده است.

1 Sparato
2 Mullen
3 Burges

در بررسی فرضیه دوم نتیجه به دست آمده حاکی از تأثیر معنادار آموزش در کاهش میزان کودک آزاری عاطفی در مادران آموزش دیده نسبت به گروه کنترل بود. این تحقیق با مطالعات متعددی از جمله تیلور و بیگان، ۱۹۹۸؛ پاترسون، ۱۹۸۲؛ بارلو، ۲۰۰۰ و گاتلیب، ۲۰۰۴؛ نقل از وزارت بهداشت، ۱۳۸۶ مبنی بر تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری در افزایش تعامل مثبت والدین با کودکان و کاهش سوء رفتار با کودکان (کودک‌آزاری) همخوان است.

در تبیین این فرضیه می‌توان بیان کرد که از علل مربوط به کودک آزاری در والدین، برداشت و درک غلط از رفتارهای کودکان و جو نامناسب حاکم بر خانه و روابط نامناسب والدین و الگوی تربیتی نادرست، درک ضعیف و احساس ناتوانی از خود است (هرست و ری، ۱۳۸۰). از جمله کودک‌آزاری‌های عاطفی دیده شده در اغلب والدین تهدیدهای فراوان کلامی، تمسخر، عقاید ناروا، سپر بلا نمودن کودک است (مارواستی، ۲۰۰۰). آموزش‌ها و برنامه‌های مداخلات رفتاری خانواده باعث آشنایی والدین با ویژگی‌های کودکان و تغییر در نحوه عامل آنها با فرزندانشان می‌شود (موراوسکا و ساندرز، ۲۰۰۶). بنابراین می‌توان این‌گونه تبیین کرد که آموزش بهبود روابط والد کودک با افزایش آگاهی والدین و بهبود کفایت و افزایش توانایی والدین باعث ایجاد تغییر در روابط شده است. این آموزش‌ها باعث شده تا والدین روابطشان بین خود و فرزندانشان را بهتر درک کنند و از خشونت‌های کلامی پرهیز نمایند. یافته‌های پژوهش حاضر، بیانگر تأثیر آموزش بهبود روابط مادر و کودک بر کاهش کودک آزاری جسمی و عاطفی است. این بسته آموزشی از ابزارهای بهبود روابط والد و کودک که در این آموزش مورد استفاده قرار گرفت، به شکل داستان‌های کوتاه، مشکلات شایع والدین با کودکان که اغلب به بدرفتاری با کودک می‌انجامد را به تصویر کشیده و سعی شده روش تربیتی درست را به والدین آموزش دهد. شیوه داستانی، بحث در خصوص داستان‌ها و بیان تجارب والدین، استفاده از روش‌های آموزش پرسش و پاسخ، بحث گروهی و ایفای نقش به شکل هم‌زمان باعث افزایش اثربخشی این آموزش‌ها شده است. والدین در جلسات با عوارض بدرفتاری با کودکان آشنا می‌شوند از سوی دیگر با ایفای نقش، با احساسات و افکار کودکان خود نیز آشنا شده و همدلی را در تعاملات خود افزایش می‌دهند. در این جلسات والدین با نحوه گوش دادن فعال، نادیده گرفتن برخی رفتارهای نامناسب کودکان به جای آزار جسمی و عاطفی آنها، توجه به علایق کودکان آشنا شده و این یادگیری مهارت برقراری ارتباط مؤثر با کودکان را افزایش داده و بهبود شیوه‌های ناکارآمد فرزندپروری و کاهش بدرفتاری با کودک را در پی دارد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، تک‌والدی بودن آموزش و عدم شرکت پدران در این تحقیق، عدم امکان کنترل تفاوت‌های فردی مربوط به کودکان مادران شرکت‌کننده در پژوهش است از سوی دیگر با توجه به محدود بودن تعداد آزمودنی‌ها در تعمیم نتایج به کل جامعه باید دقت نمود.

پیشنهاد می‌شود تحقیقی در همین راستا با حضور پدران یا هر دو والد انجام گیرد. تأثیرات بهبود روابط والد و کودک، بر روی کودکان نیز بررسی گردد تأثیر این نوع آموزش با شیوه‌های دیگر آموزش

مقایسه گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های بهبود روابط والد و کودک برای تمامی والدین اجرا گردد تا با ایجاد تعامل صحیح بین والدین و کودکان و کاهش سوء رفتار با کودکان، محیطی امن و دلپذیر برای آنان ایجاد گردد و گامی در جهت افزایش سلامت روان خانواده برداشته شود.

Refrence

- Butchart, A. and Kahane, T., (2006). preventing child maltreatment: a guide to taking action and generating evidence. *The World Health Organization and International Society for Prevention of child abuse and neglect*, 32-50.
- Edleson, J. L (1999). Problem with children's witnessing of domestic violence. National Electronic Network on violence against women. Available in www.vaw.umn.edu.
- Gelles, R. J., & Straus, M. H. (1988). How violent are American families? In R. J. Gelles & M. H. Straus (Eds.), *Intimate violence* (pp. 98-115). New York: Simon and Schuster.
- Gilbert, R., (2011). Burden and consequences of child maltreatment in high-income countries. *The Lancet*, **373**(9657): 68-81.
- Hurst, Ryan, Ray (2001). The role of school educators in the prevention and treatment of child abuse and neglect of children. Translator: Shahram Mohammad Khani, publication beyond knowledge.
- Javanmard, Gholam Hossein; Yaghoubi, Hassan and Mamghani, Jafar (2011). Study of forms and prevalence of child abuse among parents. *Quarterly Journal of Exceptional Children*, First Year, 3:125-113.
- Khoshabi, Katayoun (1386). Investigating the prevalence of child abuse in 6-8 year old students in Tehran. Research project at the University of Social Welfare Sciences.
- Landert, Gray (1390). Play therapy, the art of communication. Refugee Referee Translator. Tehran; Growth.
- Marvasti, J. A (2000). *Child suffering in the world: Child maltreatment by parents, culture and governments in different countries and cultures*. Manchester: Sexual Trauma Center Publication.

- Maykel, R., & Sepasi-Ashtiyani, M. (2008). Investigation The Effectiveness Of Cognitive-Behavioral Therapy With Problem Solving Skill Training In Reducing Test Anxiety. *J Behav Sci*, 4, (1), 23-7.
- Marvasti, J. A (2000). *Child suffering in the world: Child maltreatment by parents, culture and governments in different countries and cultures*. Manchester: Sexual Trauma Center Publication.
- Morawska, A & Sanders, M. R (2006). Self-administered behavioral family intervention for parents of toddlers: Effectiveness and dissemination. *Behavior Research and Therapy*, 44, 1839-1848.
- Mamghani, Jafar; Javanmard, Gholam Hossein (1386). Comparison of the symptoms of mental disorders in parents of abused and non-abused children and the relationship between child abuse and behavioral disorders in children. *Journal of Psychological Research*, 10 (1): 68-70.
- Ministry of Health, Treatment and Medical Education (2007). Performance Report Mental Health Office - Develop a parenting skills training program for parents Mental Health Policy,
- Neitzel, C & Stright, D. A (2004). Parenting behaviours during child problem solving: The roles of child temperament, mother education and personality, and the problem-solving context. *International Journal of Behavioral Development*. 28(2): 166-179.
- Shukuhi, M and Beh pazhuh, A. (2006). The effect of teaching anger management skills on control of parents anger control is mental and mental. *Research in the context of exceptional children*, 8 (2): 319-358.
- Saramet z and Amiri, sh. (۲۰۰۹). Prevalence of obsessive – compulsive disorder in children. *developmental psychology*.5(20):333-342.
- Sparato, J, Mullen, P. E., Burges, P. M., David, L, Wells, D L, Moss, S. A. (2004). Impact of child sexual abuse on mental health: Prospective study in males and females. *British Journal of Psychiatry*, 184, 416-421.
- Runyon MK and Deblinger E. (2009). Pilot evaluation of outcomes of combined parent- child cognitive-behavioral group therapy for families at risk for child physical abuse. *Cognitive and Behavioral Practice*. 16(1): 101-18.
- White,C (2011).Childhood maltreatment is linked to recurrent depression. *British Medical Journal*; 16: 343.

Wilson, Steven R, Jessica. Rack, Noris, Adlam (2008). Comparing Physically abusive, neglectful, and non-maltreating parents during interaction with their children: a metaanalysis of observational studies. *Child abuse and neglect*. Prudue university.

Yazdi, Zeinab (1388). Parenting methods. Review of studies done. Bachelor's thesis, Ferdowsi University.

Zargar, Fatemeh Vanshat Doost, Hamid Taher (2006). Investigation of population and family factors influencing the incidence of child abuse in Isfahan. *Family Research Quarterly*, 2 (6): 176-165.

Effectiveness of the Mother -Child Relationship Education on Reduce physical and emotional Child Abuse

Ahad Ahangareanzabee ¹

Sakeneh Salamat ²

Asgar Fulade ³

Abstract

The relationship between mother - is among the most important risk factors to be in child abuse. This study aims to find out the effect of the mother child relationship on reducing the Effectiveness of the Mother - Child Relationship Education on Reduce physical and emotional Child Abuse.

Study was a quasi- With pre-test and post test and the control group. A sample of 30 mothers with of 7-10 years old children between 10-7 years old who have been enrolled in the first up to forth grade in primary school were selected.

And They were randomly assigned to two groups (n =15, and control (n =15) The training package of improving the parent and child relationships were taught to experimental group for 10 sessions group the 10 sessions. the abuse questionnaire was distributed before and after the treatment for two groups and after the next two meetings were conducted on both groups.. collected data were analyzed by analysis of one-Way covariance. The results showed there was a significant difference between the the pre-test and post-test scores of physical and emotional abuse ($P < 0/05$),. According to the findings, we can conclude that the training methods for improving relations between parent and child can educe physical and emotional of child abuse.

Keywords: the Mother -child relationship - physical child abuse- emotional child abuse

1 *Assistant Professor, Department of Counseling, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran (Corresponding Author)

2 Master, Department of Educational Psychology

3 Instructor, Department of Psychology, Payame Noor University, Azarshahr Branch, Tabriz, Iran

